

پرسش ۵۱۶: چرا امام علی (ع) برای خلافت بعد از پیامبر نجنگید؟

السؤال / ۵۱۶: تسأول حول خلافة علي كرم الله وجهه.

باسم الله العلي العظيم. سؤالي هو: لماذا لم يقاتل علي (كرم الله وجهه) من أجل الخلافة بعد وفاة النبي (ص)؟؟

المرسل: ياسر - المغرب

سؤال / ۵۱۶: سؤالی در مورد خلافت علی کرم الله وجهه

به نام خداوند بزرگ و والا. سؤالم این است: چرا علی کرم الله وجهه به خاطر خلافت بعد از پیامبر (ص) نجنگید؟

فرستنده: یاسر - مغرب

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

اعلم يرحمك الله أن عدم قتال الإمام علي (ع) من أجل استرداد حقه المغتصب لم يكن جبناً منه وحاشاه من الجبن وهو المعروف بشجاعته وقوته واستبساله في ذات الله سبحانه.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً. خداوند رحمتت کند، بدان که نجنگیدن امام علی (ع) به خاطر گرفتن حق غصب شده اش به خاطر ترس ایشان نبود، و ایشان از ترس بدورند و ایشان به شجاعت و نیرو و خشم به خاطر ذات خداوند سبحان معروف است.

فالشجاعة وحدها ليست هي دائماً السبيل إلى ردع الباطل وإقامة الحق، فقد يكون المؤمن في غاية الشجاعة والإقدام ولكنه مأمور بالسكون والسكوت حتى يقضي الله أمراً كان مفعولاً.

و شجاعت به تنهایی راه کنارزدن باطل و برپا داشتن حق نیست، و گاهی اوقات مومن در انتهای شجاعت و اقدام است ولی مامور به آرامش و سکوت است، تا این که خداوند کاری که می خواهد را انجام دهد.

فالإمام علي(ع) قد أخبره الرسول محمد(ص) بأنه سيظلم ويغتصب حقه و ... وأمره بالصبر إن لم يجد أنصاراً ... لحكمة علمها الرسول محمد(ص).

محمد رسول(ص) به امام علی(ع) خبر داد که به زودی به وی ستم می شود و حش غصب می شود و... و به ایشان دستور داد که اگر یاری پیدا نکرد، صبر کند... به خاطر حکمتی که محمد رسول(ص) می دانست.

إذن فعدم مبادرة الإمام علي(ع) للقتال هو امتثال لأمر الله تعالى ولأمر رسوله الكريم(ص) وهو من مناقب الإمام علي(ع) لا كما يتوهمه النواصب، بل إنه لو خالف وصية الرسول محمد(ص) لكان ذلك منقصة وحاشا أمير المؤمنين ويعسوب الدين من النقص ومخالفة الله ورسوله.

بنابراین عدم مبادرت امام علی(ع) به جنگ به خاطر انجام دادن دستور خداوند متعال و دستور پیامبر کریم(ص) بود، و آن از مناقب امام علی(ع) است، نه همان طور که ناصبی ها توهم می کنند، بلکه اگر ایشان با وصیت محمد رسول(ص) مخالفت می کرد این نقص و کمبودی برای ایشان بود، و امیرالمومنین و یعسوب (فرمانده) دین از نقص و مخالفت با خداوند و رسولش بدور است.

وإن أردت شاهداً لكلامي هذا من القرآن الكريم، فأقول لك: هذا هو نبي الله هارون وصي نبي الله موسى(ع) عندما غاب موسى(ع) واستخلفه على بني إسرائيل لم يقاتل عندما أضل السامري بني إسرائيل واخرج لهم العجل ليضلهم عن عبادة الله(عزوجل)، في حين أن نبي الله هارون لم تغتصب منه الخلافة فقط بل لم يبق السامري من الدين شيئاً ولو ظاهراً حيث أدخل الناس بالكفر بالله جهاراً! إذن فالمبادرة للقتال ليست هي الحل الناجع دائماً عند الله تعالى وعند أوليائه.

اگر شاهی از قرآن کریم برای سخنم می‌خواهید، به شما می‌گویم: این پیامبر خدا هارون است که وصی پیامبر خدا موسی(ع) است، وقتی موسی(ع) غائب شد و ایشان را جانشین خود در بنی اسرائیل قرار داد، وقتی سامری بنی اسرائیل را گمراه کرد و برایشان گوساله‌ای بیرون آورد تا آنان را از بندگی خداوند متعال گمراه کند، ایشان نجنکید، در حالی که پیامبر خدا هارون فقط خلافت از ایشان غصب نشد، بلکه سامری از دین چیزی - حتی ظاهر آن - باقی نگذاشت، چون مردم را به کفر آشکاری خداوند وارد کرد! بنابراین مبادرت به جنگ همیشه نزد خداوند متعال و نزد اولیایش راه حل اصلی نیست.

ثم إنه ليس كل ما يسمى خوفاً فهو جبن، فالخوف على دين الله لا يعد جبناً، فهذا القرآن ينص على أن نبي الله موسى(ع) خرج من مدينة فرعون خائفاً يترقب: (فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفاً يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ) [199].

هر چیزی که به آن "خوف" می‌گویند ترس نیست، خوف (ترس) بر دین خداوند ترس شمرده نمی‌شود، و این قرآن تصریح می‌کند که پیامبر خدا موسی(ع) از شهر فرعون به صورت ترسان و مراقب بیرون رفت: (موسی ترسان و نگران از آنجا بیرون رفت گفت: پروردگارا، مرا از گروه ستم‌کاران نجات بخش) [200].

فهل خوف موسى(ع) جبن وحاشاه؟! كلا وألف كلا ... بل لم يكن خوف موسى(ع) على نفسه بما هي هي ... بل كان خوفاً على نفسه؛ لأن الله كلفه بأداء الرسالة، فلا بد أن يحافظ على نفسه ويخاف عليها من أجل أداء هذا التكليف الإلهي على أتم وجه. وإلا فنحن نجد الأنبياء والأوصياء لا يترددون أبداً في امتثال أمر الله تعالى في القتال من أجل الدين الإلهي.

آيا خوف موسى(ع) ترس بود، حاشاه؟! اصلاً و اصلاً اين طور نيست... بلکه خوف (ترس) موسى(ع) از جهت خودش نبود. بلکه برخودش می ترسید، چون خداوند او را به رساندن رسالتش مکلف کرده بود، در نتیجه باید مراقب خودش باشد و به خاطر انجام این تکلیف الهی به صورت کامل مواظب خودش باشد. و گرنه ما می بینیم که پیامبران و اوصیاء اصلاً در انجام دستور خداوند متعال در جنگ به خاطر دین الهی تردید نمی کنند.

وأخيراً الروايات عن الرسول محمد(ص) وعن أهل بيته التي تذكر وصية الرسول(ص) لعلي(ع) بالصبر كثيرة إن أحببت أسردها لك في مناسبة أخرى إن شاء الله. وفقك الله لكل خير وصلاح.

اللجنة العلمية - أنصار الإمام المهدي (ممكن الله له في الأرض)

الشيخ ناظم العقيلي - محرم
الحرام / ١٤٣١ هـ

و در پایان روایات از محمد رسول(ص) و اهل بیتش که وصیت رسول(ص) را به علی(ع) به صبر را ذکر کرده اند، زیادند، اگر دوست داشتید ان شاء الله در مناسبات دیگر آن ها را می آورم. خداوند تو را برای انجام هر کار خوب و صلاحی موفق کند.

هیئت علمی - أنصار إمام مهدي (ممكن الله له في الأرض)

شيخ ناظم عقيلي
- محرم الحرام / ١٤٣١ هـ



[\[199\]](#) - القصص: 21.

[\[200\]](#) - قصص: 21.